

## آفت فکری بحرانی (الزایمر) افغان های بیرون مرزی.

چند هفته قبل یک گرد همایی جمعی افغانها تجلیل از یک ملا نوکر دوره ظاهر شاه را گرفته بودند. که این حد انحطاط فکری افغان های حومه پایتخت امریکا را ندیده بودم. محفل دوم به خاطر جمعی بودن گروه های تباری و یک عده انجمن ها که نمیدانم محفل اول چه وقت و در کجا گرفته شده بود با فاصله اضافه از یک دهه روی چه محوری سیاه برگزار شده بود. با تأسف بجای اینکه جامعه به طرف عقلانیت رفته در جهت مخالف در جریان است. عوامل این مریضی در چیست؟ بنظرم استبداد فکری حاکم دین زدگی و شعر زدگی زیادتر با چاشنی عرفان و تصوف؛ کوشش سیاست زدایی، تکثیر جعل و حماقت در راستا جامعه مصرفی قالبی کارپوریشن ها؛ فاصله هر چه بیشتر بین نسل ها....

چه عامل پس پرده ای در کار بوده که از عطاالله فیضیانی (۱) نام برده، به قهرمان پردازی وی بپردازند؟ (بخاطر ندارم اگر غلط نکرده و یا در جریان نبوده که شام عرفان یا افغان اکادمی از وی در محافل و نشرات خود از آن یاد کرده باشند).

سیاست زدائی موضوع قرداد پایگاه های دایمی امریکا، موضوع انتخابات در داخل کشور، فراموشی حقوق شهروندی افغان های بیرون مرزی در رای گیری، فساد گسترده رژیم دست نشانده استعماری خلیفه کرزی؟

محافل جامعه بیرون مرزی زیاد تر روی زنده و مرده، عروسی ها و مرده داری های بسیار پر مصرف، بزرگ و چند روزه، ختم قران، تولدی ها و بعضی محافل خرافاتی از هر دو فرهنگ و حتا زنده نمودن فراموش شده هایش و محافل فرهنگی مصرفی و جامعه میزبان چون محفل سالگرد تولدی و ... همه با هم چشمی ها و خودنمائی، مصرف گرایی و محافل شعر زیادتر تغزلی با چاشنی عرفان و تصوف و یگان کنسرت است در محافل شعر از دیگر بخش های ادبیات چون داستان و نمایشنامه خبری نیست. و از فرهنگ بخش سیاست، علم و فلسفه را حذف کرده اند. و حتا در یکی از مجالس با خیره سری به هجو سیاست می پردازند. و اعلان می کنند که در محفل و محوطه اش بحث سیاسی ممنوع است. در همچو محافل فرهنگی فضای استبدادی قرون وسطائی چون مسجد حاکم است و حاضرین چون شنونده های محکوم بمباران میشوند و حقوق پرسش شان را نا دیده می گیرند. در چنین فضا ها اگر ملای جاهلی کفر هم بگوید نظر به فضای ترس و تکفیر اکثرن از ملا نه می پرسند از روی چه این گپ را می زنی؟ که در نتیجه سبب گمراهی یک تعداد عوام و زیادتر نوجوانان میگردد و از چنین فضاهاست که استعمار، اسلام سیاسی و متعصبین جاهل که دست به مغز شوئی زده و سو استفاده می کنند. و برای از بین بردن چنان فضای استبدادی، سو استفاده ها و به وقت اشتراک کنندگان ارزش قایل شد و بلند بردن سطح آگاهی باید در ختم هر سخنرانی وقت برای پرسش و نظر وجود داشته باشد. تا هم اشخاص خودنما و جاهل به آسانی جرئت نمایند که پشت بلند گو بروند و بهتر است منحیث مراعات نمودن آداب مجالس چه از طرف سخنران و یا گرداننده محفل پرسیده شود کسی سوال، گفتنی و یا نظری در مورد دارد؟

فقدان اشخاص با درک و بر عکس نفوذ اشخاص مغرض چه از دار و دسته فاسد خلق و پرچم، یا جریان های در کوشش سیاست زدایی، تکثیر جعل و حماقت در راستا جامعه مصرفی قالبی کارپوریشن ها و قدرت پرستان در راس انجمن های بیرون مرزی. بطور مثال در راس مسجد کسانی به حیث رئیس

انتخاب شده اند که اکثر کار تمام وقت داشته و زیاد تر به سفر اند. دلیل علاقه چنین اشخاص با نداشتن وقت کافی به چنین مسولیت ها و دیگر اینکه چرا چنین اشخاص انتخاب می شوند چیست؟ در حالیکه یک تعداد زیاد از بزرگسالان دانش اندوخته و با تجربه فارغ بال که با توانایی و علاقه حاضر اند که چنین انجمن ها را داوطلبانه به وجه به مراتب بهتر به پیش ببرند .

عوامل بیشتر شدن انحطاط فکری افغان های حومه و اشنگتن دی سی در چیست؟ خالی بودن شخصیت های روشن بین و وطن دوست نسل اول چون زنده یاد داکتر نور علی خان(۲) و جنرال نوروز، کوچ کردن سید فقیر علوی به کالیفرنیا و... یا یک تعداد کم نظر به کبر سن و یا دل سردی از همچو محافل احمقانه و فاقد اشخاص با درک و نفوذ اشخاص مغرض؛ رفتن یک عده از کسان به خاطر کمک به مردم و کشور خود چون زنده یاد جمعه محمدی (۳) و شش تن از انجنیر های همراه اش از جمله فرهاد. البته بجز از عده ای زیاد قند و فند بگیران و قدرت پرستان .. و نظر به دین زدگی و شعر زدگی زیادتر با چاشنی عرفان و تصوف و حتا مسخ شدیدتر با دین ( زیادتر کسانی که در افغانستان مذهبی نبودند و خانم ها حجاب نمی پوشیدند از دین آنهم اسلام سیاسی پشتیبانی می کنند) برخورد استبدادی و فاصله بین نسل ها، سیاستزدائی حاکم و بی ارزش پنداشتن سیاست در بین نسل جوان، مسخ با ویدوگیم و سپورت زدگی و سیاسی نمودن سپورت و دیگر قهرمان سازی و بت سازی های جامعه میزبان و برخورد نادرست والدین و عدم پذیرش جامعه چند فرهنگی در جامعه امریکا متأسفانه اکثر نسل دومی در جامعه میزبان حل شده و آن عده کم نظر به پدر سالاری و مردسالاری حاکم نتوانسته جای خالی را پر نمایند. خیره سری است که این گنجینه ها نیاموخت و زمینه رو به بهبودی را از دست داد.

در کل جامعه چند میلیونی بیرون مرزی در کشور های پیشرفته و جامعه اضافه از سه صد هزار افغانهای امریکا که بخش بالا فرار تحصیل کرده ها و توانمندان مادی جامعه مادری خود را داشته نظر به عوامل بالا چه در بسیاری زمینه ها دارای دست آوردی نبوده اند. حتا عالمی هم برون نهاده چه برسد به فیلسوفی. و نظر به عقب ماندگی سیاسی حتا در سطوح شهری نماینده ای نداشته اند چه برسد در سطح ایالتی و حکومت فدرالی تا از حقوق شان دفاع نمایند.

در زدودن فضای استبدادی پدرسالارانه، مردسالارانه و بلند بردن سطح آگاهی در ختم هر سخنرانی وقت برای پرسش و نظر مدنظر داشت. به جوانان موقع داد و از ایشان آموخت.

)۱(

<http://goftaman.com/daten/fa/articles/part33/mowlawizade-20-04-2013.pdf>

(۲) داکتر نور علی خان وزیر اقتصاد دوره ظاهر که با نوشته ها و حضور فعال اش در محافل از منافع مردم و کشور اش با درایت رشته تحصیلی، کاری و اجتماعی اش دفاع نموده و از جمله حضورن زیر پرسش قرار دادن خلیل زاد با کار های نامناسب اش و محکوم نمودن کار های خلاف منافع کشور. و هم مورد دیگری صبغت الله مجددی را با نامناسب بودن برگذاری لویه جرگه در تاریخ گذشته و امروزی جامعه .

(۳) جمعه محمد محمدی وزیر معادن و صنایع افغانستان و همراهانش به احتمال زیاد در اثر توطئه بین المللی سقوط طیاره در نزدیکی شهر کراچی پاکستان کشته شد ۲۴/۲/۲۰۰۳. ای کاش همراهان اضافه از دو نفر یک جا سفر نمی کردند. در نبود چنان اشخاص صادق و وطن دوست و غارت معادن توسط خائنین و استعمار چون خنجری به سینه ملت نبوده نظر به مراعات نکردن حفظ صحه محیطی و مسموم نمودن هوا، آب، خاک و نابودی زیست بوم که مرهم و در راستا رفاه و تعالی کشور می بود. مقاله صبور فروزان چند ما قبل از تاریخ نشر جای زیر در امید دیده شده بود .

[www.afghanpaper.com/nbody.php?id=33581](http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=33581)

